

## تلویزیون پرتو به کمک بینندگان و دوستانش نیاز دارد

پاسخ کورش مدرسی به سوال محمد فتاحی عضو کمیته تلویزیون

ص ۲

## جایگاه مجمع کادرها در فعالیتهای حزب



رحمان حسین زاده

با تشکیل حزب حکمتیست، نهاد مجمع کادرهای حزب به عنوان یک نهاد متحد کننده سیاسی و ظرف بحث و تبادل نظر و همسو کردن کادرهای حزب در خارج کشور ایجاد شد. در دوره یکساله اول در بیشتر تشکیلاتهای حزب در خارج کشور نشستهای این نهاد با راندمان سیاسی مثبت برگزار شد. باید اذعان کرد بعد از این دوره کوتاه یکساله، برگزاری نشستهای مجمع کادرها در تشکیلاتهای حزب به تدریج روبه کاهش گذاشت.

ص ۳

## کنفرانس سالانه تشکیلات بریتانیای حزب کمونیست کارگری - حکمتیست



گفتگوی پرتو با سعید آرمان عضو کمیته خارج کشور و فواد عبداللهی دبیر کمیته بریتانیا



به شهادت تاریخ بشر، جهان هزاران سال است که به دست عده ای زورگو و مفتخور می چرخد. ما این را قبول نخواهیم کرد. الان دیگر از هر حکمتیستی بپرسید که چه می خواهد و چه جوری فکر می کند، لیستی از انسانیت و آزادیخواهی و برابری طلبی را جلو شما خواهد گرفت: مردم باید برابر باشند و از امکانات مادی کافی برخوردار شوند، تبعیض و ناداری و فقر ریشه کن شود، جهالت و مذهب جارو شود، شادی و لذت جزء لاینجزای زندگی انسانها باشد، استثمار از جامعه رخت بر بندد و جای آن را تلاش آزادانه و آگاهانه آحاد انسانی پر کند، انسان، انسان باشد و کسی بنا به تعریف از دیگری بالاتر نباشد... ضرورت به کرسی نشاندن این آرمانها فلسفه حزب کمونیستی ما است.

ص ۵

## مبارزه طبقاتی

لنین: مبارزه طبقاتی بهترین ابزار علیه جنگ است

مانور های هوایی اسرائیل، مانور دریایی امریکا، مانورهای موشکی ایران و غیره، پیام دولتهای سرمایه داران به همدیگر برای رعایت قوانین بازی تقسیم سود و ثروت و قدرت در جهان است.

همزمان و در پشت پرده این مانورها، معاملات و توافقات و حل اختلافات دولتها با هم در جریان است. سارکوزی رییس جمهوری فرانسه دست بشار اسد و میشل سلیمان روسای جمهوری سوریه و لبنان را در دست هم میگذارد و از طریق بشار اسد به جمهوری اسلامی پیام می فرستد. اهود المرت نخست وزیر اسرائیل به توافق با فلسطینی ها ابراز خوشبینی میکند. اتحادیه اروپا و دولت احمدی نژاد سر محتوای بسته ها و هدیه هایشان به همدیگر چک و چانه میزنند.

همزمان شرکت توتال فرانسوی از سرمایه گذاری در میدان گاز ایران کناره گیری میکند و شرکت گاز پرم روسی جایش را میگیرد. در همین گیرودار مانورها و تهدیدات و اختلافات و توافقات و رقابتها و در حالی که امریکا بیشترین مایه را برای تحریم اقتصادی ایران گذاشته است، بنا به گزارش روزنامه آسوشیند پرس از قول یکی از گزارشگران دولتی امریکا، تجارت و صادرات امریکا به ایران در زمان ریاست جمهوری بوش ۱۰ برابر افزایش یافته است! و سرمایه دارین چینی و روسی و هندی و... کالاهای خود را به ایران سرازیر کرده اند.

همه این واقعیات نشان میدهند که جنگ و تخاصم و معاملات و توافقات بورژوازی در جهان بر سر تقسیم سود و ثروت است. سود و ثروتی که مال خودشان نیست و تماما حاصل دسترنج طبقه کارگر بین المللی است.

این جنگ و تخاصمات و معاملات و همه این تلاشهای ضد انسانی طبقه سرمایه دار ربطی به طبقه کارگر ندارد.

ساعات پخش تلویزیون پرتو  
۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ هر شب به وقت تهران  
تکرار: روز بعد ۳ تا ۴ بعد از ظهر،  
ماهواره هات برد، کانال ۶

توضیح سردبیر  
سردبیری پرتو دوره ای است. با تشکر از رحمان  
مسین زاده، انتشار پرتو در این دوره به عهده  
من است. مظفر محمدی

زنده باد سوسیالیسم

## تلویزیون پرتو به کمک بینندگان و دستدارانش نیاز دارد

پاسخ کورش مدرسی به سوال محمد فتاحی عضو کمیته تلویزیون:

ایران دستداران ما فقیرتر از آنی هستند که بتوانند به ما کمی برسانند. با وجود این اگر کسانی هستند که می توانند کمی کنند ما شدیداً به آن احتیاج داریم. بخصوص در خارج کشور که تعداد بیشتری هستند که دستشان به دهنشان می رسد. ۵۰۰-۶۰۰ دلار برای کسی که در خارج کشور زندگی می کند پول زیادی نیست. و اگر اینها ۵۰۰-۶۰۰ نفر بشوند، ادامه کار ۱ تا ۱ سال و نیم تلویزیون را تامین می کند. به همین ساده گی است. و ما هم سعی کرده و میکنیم هر اندازه که ممکن بشود از طریق خود تلویزیون تامین کنیم.

متأسفانه کنگره ی آزادی عراق هم وضع بسیار بدی دارد و آنها هم نمی توانند تعهداتشان را پرداخت کنند. آنها هم زیر فشاراند و در يك جامعه ی فلاکت زده زندگی میکنند. تلویزیون آنها هم در خطر تعطیل شدن قرار دارد. در نتیجه باید با هم همتی بکنیم که این پروژه و این صدای متفاوت درکل خاورمیانه را سرپا نگه داریم.

توجهی را که رقم دقیق آن را نمیتوانم بگویم، تامین کنیم. رفقای تلویزیون در این زمینه تراکتی تهیه کرده اند که در آن شاید اطلاعات بیشتری هست و شماره حساب و نحوه ارسال کمک را به مردم اطلاع خواهد داد. بهر حال از هر طریق ممکن میتوانند به ما کمک برسانند. ما به این کمک ها به شدت احتیاج داریم.

همچنانکه گفتیم ما در میان اپوزیسیون فعال ایران تنها جریانی هستیم که از هیچ کس پول دریافت نمی کنیم و در حقیقت به ما پول نمی دهند. اگر به ما بی قید و شرط پول بدهند حتماً می گیریم اما از آنجا که سیاست ما فقط و فقط در جهت منفعت مردم ایران و تلاش برای نمایندگی کردن کارگر و زحمت کش آن جامعه است، طبعاً ما را در لیست سازمان های مورد علاقه شان نمی گذارند و حمایت مستقیم و غیر مستقیم نمی کنند. در نتیجه امروز بیشتر از همه به دستداران تلویزیون پرتو احتیاج داریم که به ما کمک کنند. خطاب من به همه در هر کجا چه در خارج و چه در داخل ایران است. طبیعتاً در داخل

کار این پروژه بوده است، روی پای خود نگه داشته شده است. امروز بدلیل مشکلاتی که پیش آمده و هزینه های دیگری که در مقابل ما قرار گرفته تلویزیون پرتو با مشکل مالی جدی روبرو شده است. از طرف دیگر ما با کم شدن بنیه ی مالی همه ی دستداران حزب در خارج کشور که دستشان به دهنشان می رسد رو بروئیم. کسانی که هزینه های دیگری را که داشتیم تا حال تامین کرده اند.

اگر ما نتوانیم ظرف يك ماه و نیم آینده کمک مالی لازم را برای تلویزیون پرتو جمع کنیم این تلویزیون به ناچار باید برنامه هایش را تعطیل کند. این هزینه متأسفانه سنگین است. تلاش ما تا این مدت تلویزیون را نگه داشته است. حال تنها راهی که داریم این است که از بینندگان و کسانی که فکر می کنند که وجود این تلویزیون در فضای سیاسی ایران و در جدالی که امروز در جامعه ی ایران در جریان است، صدای متمایزی است، همت کنند و مانع تعطیل شدن برنامه های تلویزیون پرتو شوند. و این راه جمع آوری کمک مالی است. ما ناچاریم ظرف يك ماه آینده پول قابل

**محمد فتاحی:** وضع بد مالی تلویزیون پرتو این روزها در میان پرسنل تلویزیون و کمیته ی آن مطرح شد. سوال این بود که ادامه کاری تلویزیون چه می شود. حزب حکمتیست يك پای اصلی حمایت از این تلویزیون بوده است تا اینکه سر پای خود بایستند. در این رابطه چه راه حلی برای تلویزیون پرتو در نظر دارید؟

**کورش مدرسی:** تلویزیون پرتو هزینه ی زیادی دارد. در این مدت فشارهای مالی زیادی به ما وارد آمده و هزینه های بسیار غیر متعارفی را روی میز ما قرار داده است. ما تا آنجا که در توان داشتیم تلاش و مبارزه کرده و میکنیم و این طبیعی است که مدام نیازهای جدید بوجود می آیند. واقعیت این است که حزب حکمتیست جز کمک اعضا و دستدارانش هیچ منبع درآمد دیگری ندارد. نه از دولتی پول می گیرد و نه غیر مستقیم از جایی پولی می آید. این پروژه اساساً به همت اعضای حزب در خارج کشور و تلاش بی وقفه رفقای کمیته ی تلویزیون مخصوصاً رفیق آرمان فراهی که دبیر تلویزیون است و دنبال



میدان جنگ و جدال طبقه کارگر مبارزه طبقاتی است. مبارزه برای در آوردن حق خود از حلقوم سرمایه داران، مبارزه برای رفاهیات و زندگی انسانی و مبارزه برای خلع ید سرمایه داران از کلیه داراییهای جامعه. طبقه کارگر ایران در حالی که مانورها و تهدیدات نظامی و معاملات و بند و بست های سرمایه داران را با چشمان باز و هشیارانه نگاه میکند، تحركات اصلاح طلبان ناجی جمهوری اسلامی در لباس دوستان مردم، ناسیونالیست ها، فدرالیست ها و قوم پرستان و پیاده نظام های منتظر حمله نظامی اسرائیل و امریکارا محکوم میکند، در همان حال راه خاتمه دادن به بازی جمهوری اسلامی با زندگی و سرنوشت مردم، خاتمه دادن به گرسنگی و بیکاری و گرانی و ایجاد جامعه ای انسانی و آزاد و برابر را در یک مبارزه طبقاتی بی امان طبقه کارگر متشکل و متحد با نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی جستجو میکند. مبارزه ای که میتواند به پیروزی کارگر بر سرمایه دار، پیروزی انسانیت و صلح بر تبعیض و نابرابری و جنگ بینجامد.

آزادی برابری حکومت کارگری

## جایگاه مجمع کادرها در فعالیتهای حزب

از صفحه ۱

در حال حاضر اثری از سوخت و ساز سیاسی این نهاد باقی نمانده است. خلاء فعالیت سیاسی چنین نهادی به وضوح اثرات نامطلوب خود را در صفوف کادرهای حزب در خارج کشور بر جای گذاشته است. نبودن همدلی سیاسی کافی و ناهماهنگی سیاسی، فوکوس کردن یکجانبه هر کادر حزب به اولویتها و مشغله های تقسیم کاری حوزه مستقیما محل فعالیت خود و ایجاد نوعی صنفی گری سازمانی و غافل ماندن از جهت گیریها و مشغله های سیاسی سراسری حزب از نتایج نامطلوب غیاب فعالیت چنین نهادی است. با مشاهده این وضعیت کمیته رهبری حزب برای پایان دادن به این وضعیت، طرحی را که توسط کمیسیون منتخب خود تدوین شده بود، به تصویب رساند. محور اصلی و اول طرح تصویب شده، پافشاری بر احیای نقش سیاسی مجمع کادرهای حزب در خارج کشور است. بعد از تصویب این طرح، در سمیناری که در جهت توضیح و جانداختن این طرح برگزار شد، سئوالات متعددی مطرح شد. این سئوالات در این سمینار توسط کمیسیون ارائه کننده طرح جواب داده شد. بر این اساس این نوشته به بعضی از سئوالات و مسائل گرهی اساسی حول مجمع کادرهای حزب میپردازد.

### الف- چرا فقط کادرهای مقیم خارج کشور؟

حزب حکمتیست، حزبی است که در داخل و خارج کشور فعالیت مستمری دارد. فعالیتهای این حزب بر دوش کادرهای حزب در هر دو حوزه فعالیت استوار است. مدتها است که این حقیقت را تاکید میکنیم، که بعد

فعالیت و سازمان داخل کشوری و لاجرم نقش کادرهای حزب در داخل کشور گسترش و نقش جدی پیدا کرده است. اما در این طرح، ما از مجمع کادرهای حزب در خارج کشور صحبت میکنیم. آیا این به معنای آن است که کادرهای حزب در داخل کشور به حساب آورده نمی شوند؟ واضح است که این گمانه زنی ربطی به تعریف ما از محیط فعالیت مجمع کادرهای حزب در شرایط فعلی در خارج کشور ندارد. جواب ما به سادگی اینست، به دلیل تناسب قوای نامساعد کنونی در داخل به ضرر جنبش ما و تحزب کمونیستی و به دلیل اختناق و استبداد حاکم کنونی، در شرایط حاضر ما نمیتوانیم فونکسیون مجمع کادرهای حزب را به داخل کشور نیز تعمیم دهیم. کادرهای حزب در داخل کشور در شبکه های حزبی و در کمیته های کمونیستی با در نظر گرفتن مجموعه مؤلفه های سیاسی، تشکیلاتی و امنیتی در داخل کشور تحت اتوریته کمیته سازمانده حزب، متشکل شده و سوخت و ساز سیاسی خاص خود را دارند، که در اینجا مورد بحث نیست.

در خارج کشور ما با شرایط استبدادی و اختناق روبرو نیستیم. کادرهای حزب به طور علنی و آشکار فعالیت دارند و میتوانند نشستها و اجتماعات علنی خود را داشته باشند. لذا مجمع کادرهای حزب بدون محدودیت به عنوان ظرف گرد آورنده همه کادرهای حزب در جغرافیای تعریف شده معین (عمدتا مجمع کادرهای هر شهر) مورد نظر است. تاکید ما در حال حاضر بر ایجاد مجمع کادرها در خارج کشور و نه داخل کشور از شرایط متفاوت مبارزاتی این دو حوزه فعالیت

ناشی شده است.

حال که بحث ما بر ایجاد مجمع کادرها در خارج کشور متمرکز شده است، لازمست برای جلوگیری از هر سوءتفاهمی به این نکته توجه کنیم که ایجاد مجمع کادرها طرح بسیار مشخص و با بعد معینی است که جنبه تکمیلی بر طرح اساسی و پایه ای سازمانی ما در خارج کشور دارد. لازم به یاد آوری است که تاکید کنیم، تشکیلات خارج کشور یکی از تشکیلاتهای اصلی حزب است که طبق سیستم سازمانی هرمی و متکی به کمیته های کمونیستی و حزبی از بالا تا پایین اداره میشود. در حال حاضر کمیته خارج کشور در راس این تشکیلات و کمیته های شهری در سطح پایه، ستون فقرات اسکلت تشکیلات خارج کشور را شکل میدهند. این کمیته ها در چارچوب حوزه فعالیت خود ارگان سیاسی و اجرایی و تصمیم گیرنده حزب هستند. چارچوب وظایف کمیته ها در اسناد مربوط به کمیته های حزبی مندرج در اساسنامه حزب تعریف شده و مبنای کار ما است. فعالیت همیشگی و روئین سازمان حزب در خارج کشور توسط این تشکیلات ستونی و در راس آن کمیته خارج کشور هدایت میشود. لذا باید توجه کرد، ایده و طرح مجمع کادرها از فعالیتهای روئین حزبی ناشی نشده و نباید موازی و یا آلترناتیو کمیته های حزبی و طرح سازمانی کنونی ما در خارج کشور نگریسته شود. مجمع کادرها در یک جمله اساسا ظرف ایجاد اتحاد سیاسی کادرهای حزب مقیم خارج است که جالفتادن نقش آن تسهیلات سیاسی جدی برای عموم حزب و تشکیلات خارج کشور ما خواهد داشت. با این توضیحات به دیگر سئوالهای

مطرح در این رابطه میپردازیم.

### ب- مجمع کادرها: در برگیرنده همه کادرهای مقیم خارج یا محدود به کادرهای تشکیلات خارج کشور حزب؟

طرح اولیه مجمع کادرهای حزب که در بدو تاسیس حزب حکمتیست تدوین شد، با این تصویر اشتباه تدوین شد که مجمع کادرها محدود به کادرهای سازماندهی شده در تشکیلات خارج کشور است. به این ترتیب در طرح اولیه، کادرهای سازمانهای حزبی دیگرکه بنا چار در خارج کشور مستقرند، جایی در این مجمع نداشتند. این نقص عمده طرح اولیه باعث شد، یک بخش موثر و قابل توجه از کادرهای حزب در سوخت و ساز سیاسی مجمع کادرها حضور نداشته باشند. از جمله بخشی از اعضای کمیته مرکزی که در تشکیلات خارج کشور فعالیت مستقیم سازمانی ندارند. کادرهای سازمان تلویزیون و کمیته سازمانده حزب و اعضای کمیته کردستان که حوزه فعالیت هر یک از آنها ربط مستقیمی به تشکیلات خارج کشور ندارد و به ناچار در خارج کشور مستقرند. این مسئله به چند لحاظ مشکل ایجاد کرد. مجمع کادرها اساسا به ظرف طرح اولویتها و مشغله های تشکیلات محل و در بهترین حالت تشکیلات خارج کشور محدود میماند. اولویتها و مشغله هایی که بنا به خصلت پرحجم کار کمیته های شهری، همواره جنبه های اجرایی و عملی آن بر مشغله ها و مباحث سیاسی لازم و ضروری ارجحیت پیدا کرده است. در این وضعیت این نگرانی وجود دارد که مجمع کادرها به جای اینکه به ظرف سوخت و ساز





سیاسی و ایجاد همدلی سیاسی کادرها تبدیل شود، به ارگان رتق و فتق امور تشکیلاتی و اجرایی به موازات کمیته های حزبی شیفت کند و از آنجا که امورات اجرایی و تشکیلاتی را کمیته های حزبی انجام میدادند، نقشی برای مجمع کادرها باقی نماند و نتیجتاً به منحل شدن مجمع کادرها تبدیل شد. یکی از علل شکل نگرفتن مجمع کادرها در دوره گذشته همین مسئله بوده است. روی دیگر این سکه این واقعیت است که بخش مهمی از کادرهای حزب در چارچوب مشغله های تقسیم کار سازمانی و تشکیلاتی محوله به خود محدود بمانند، به این ترتیب صنفی گری سازمانی و تقسیم کاری برجسته شود. رابطه زنده سیاسی و لاجرم انسجام سیاسی بین بخشهای مختلف کادرهای حزب در خارج کشور لطمه بخورد.

اثر این تجربه نامناسب را بویژه با طرح فکر نشده تفکیک کادرهای تشکیلات کردستان مستقر در خارج کشور با کادرهای تشکیلات خارج کشور دیدیم. تجربه ناموفقی که از یک طرف به محروم شدن تشکیلاتهای کشوری و شهری از دخالت موثر تعدادی از کادرهای با تجربه و از طرف دیگر به کم تحرکی همین کادرها در حیات سیاسی روزمره حزب در خارج کشور منجر شد.

به علاوه محدود کردن مجمع کادرها صرفاً به کادرهای تشکیلات خارج کشور، باعث میشود از انرژی و توانایی سیاسی تعداد قابل توجهی از اعضای دفتر سیاسی و کمیته مرکزی و رهبری حزب و کادرهای عرصه های دیگر به بهانه اینکه جزو فونکسیون مجمع کادرها نیستند، استفاده نشود.

با توجه به این تجارب و این مسائل است، که در طرح کنونی مصوب کمیته رهبری آمده است، که "به منظور سوخت و ساز فعال سیاسی در میان همه کادرهای مقیم خارج کشور، صرفنظر از مسئولیت مستقیم سازمانی، همه کادرهای حزب مقیم خارج کشور لازمست، در نشستهای منظم مجمع کادرها

شرکت کنند و حضور فعال سیاسی داشته باشند. استثناء در مورد کسانی است که در زمان برگزاری مجمع کادرها در ماموریتهای حزبی بسر میبرند".

به نظرم تصویر درست کنونی از مجمع کادرها میتواند به مشکلات اشاره شده، پایان دهد و نهاد پرورش سیاسی در برگیرنده همه کادرهای حزب را احیاء کند.

### ج- مجمع کادرها: نقش سیاسی یا اجرایی؟

یکی از سئوالات مطرح در مورد مجمع کادرها این مسئله است که آیا مجمع کادرها نقش اجرایی و تصمیم گیرنده سیاسی و تشکیلاتی دارد؟ در جواب به روشنی باید گفت این نهاد نقش اجرایی و هیچ نوع تصمیم گیری را ندارد. قرار نیست نقش موازی کمیته های حزبی موجود در تشکیلات خارج کشور ما داشته باشد. وجود این النقاط نقش دو گانه سیاسی یا اجرایی و تصمیم گیرنده، در تصویر اولیه از طرح مجمع کادرها به هر درجه ای که وجود داشت، به کارکرد واقعی مجمع کادرها لطمه زد.

مجمع کادرها تنها و تنها یک نهاد سیاسی در برگیرنده کادرهای یک جغرافیای تعریف شده و با پیروید مقرر شده نشست منظم است. مجمع کادرها ظرف همفکری سیاسی، بحث و تبادل نظر سیاسی به منظور ایجاد اتحاد و همسویی و ایجاد استحکام سیاسی در صفوف کادرهای حزب را بر عهده دارد. مجمع کادرها ابزاری است که در آن فارغ از اولویتها و مشغله مستقیم حزبی و روزمره کادرهای حزب دور هم جمع میشوند، به سیاستهای عمومی پیش روی حزب، به سیاستها و طرحها و تاکتیکهای جدید اعلام شده حزب، به نقشه های حزب در این یا آن شاخه فعالیت حزب، به ارزیابی و جمع بندی از ابتکارات و نقشه ها و فعالیتهای عمومی این بخش و یا آن بخش حزب میپردازند. برای مثال میتوان به مباحث مطرح شده حزب در مور اوضاع سیاسی ایران و جهان و منطقه پرداخت. به

موضوعاتی پرداخت که لازم است حزب به آنها بپردازد. این یا آن تاکتیک سیاسی و یا سازمانی حزب را بررسی کرد. به نقشه حزب و سیاست حزب در کار داخل و کردستان و خارج کشور پرداخت.

تبلیغات حزب و فعالیت تلویزیون را بررسی کرد. خلاصه بگویم مجمع کادرهای حزب میتواند و لازم است به انبوه متنوع مسائل پیش روی جنبش کمونیستی و حکمتیستی اعم از مسائل استراتژیک تا مسائل سیاسی و تاکتیکی و سبک کاری و سازمانی بپردازد. تشخیص اینکه در هر نشست معین مجمع کادرها به چه مسائلی پرداخته میشود، به عهده نشست حضوری خود مجمع است که از میان پیشنهادات چه از قبل طرح شده توسط دبیر مجمع و یا اعضای آن ویا مستقیماً مطرح شده در شروع جلسه، با رای اکثریت موضوعات لازم در دستور گذاشته میشود و به آنها پرداخته میشود.

مجمع کادرها تصمیم گیری سیاسی نمی کند. اما میتواند نتیجه مباحث سیاسی خود را به هر شکل مناسب و از جمله در شکل قرار و قطعنامه و نامه و توصیه مکتوب و شفاهی در اختیار ارگانهای رهبری و کمیته های حزبی مختلف قرار دهد. مجمع کادرها نه تنها میتواند اینکار را بکند، بلکه رهبری حزب مجمع کادرها را به چنین برخورد فعالی در راستای تقویت سیاسی حزب و پویایی سیاسی حزب تشویق میکند. ارگانهای رهبری و کمیته های حزبی لازم است با دقت به پیشنهادات و توصیه های مجمع کادرها توجه کنند و در مقابل پیشنهادات آنها نظر خود را اعلام کنند.

### د- مناسبات مجمع کادرها با کمیته های حزبی:

گفتیم مجمع کادرها نهاد آلترناتیو و یا موازی کمیته های حزبی در خارج کشور نیست. بالاتر به جایگاه تشکیلات خارج کشور به مثابه یکی از تشکیلاتهای اصلی حزب و سیستم سازمانی هر می و متکی به کمیته های کمونیستی و

حزبی از بالا تا پایین آن اشاره کردیم. تاکید کردیم که کمیته خارج و کمیته های حزبی در چارچوب حوزه فعالیت خود ارگان سیاسی و اجرایی و تصمیم گیرنده حزب هستند. با توجه به این نکات و در شرایط وجود مجمع کادرها و کمیته های حزبی در هر شهر در کنار هم باید به دو جنبه مهم دقت کرد. اولاً مجمع کادرها دخالت عملی در روند تصمیم گیری سیاسی و اجرایی کمیته های حزبی ندارند.

دوماً با توجه به اینکه مجمع کادرها فقط در برگیرنده کادرهای حزب در خارج کشور نیست و این نهاد اجرایی نیست، کمیته شهری هم بر مجمع کادرها اعمال اتوریته تشکیلاتی نمی کند. سوماً مجمع کادرها در اولین نشست خود با انتخاب دبیر مجمع کادرها، از میان اعضای خود، شکل ساده سازمانی خود را تعیین می بخشد. دبیر مجمع کادرها چند وظیفه بسیار مشخص را به عهده دارد. از جمله 1- نشستهای منظم مجمع کادرها را فراخوان میدهد. 2- برای برگزاری عملی این نشست هماهنگی لازم را با کمیته حزبی در محل ایجاد میکند. 3- گزارش این نشست ها را برای کمیته رهبری و کمیته خارج کشور ارسال میکند.

با این تصویر از جایگاه مجمع کادرهای حزب و ضرورت سیاسی احیای فوری آنها در خارج کشور، لازمست طبق اقدامات تعریف شده و در کوتاهترین فرصت ممکن مجمع کادرهای هر شهر را سازمان داد. در شروع کار کمیته خارج کشور در هماهنگی لازم با کمیته رهبری برگزاری اولین نشست هر مجمع را در شهرهای مختلف پیگیری میکند. در این رابطه دستورالعمل تشکیلاتی لازم تهیه و به اجراء گذاشته میشود.

همه کادرهای حزب مقیم خارج کشور اعم از اعضای کمیته مرکزی و ارگانهای رهبری و دیگر کادرهای حزب در عرصه های مختلف را به حضور فعال و سازمانیافته در مجمع کادرهای حزب فرا میخوانیم.

## کنفرانس سالانه تشکیلات بریتانیای حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

گفتگوی پرتو با سعید آرمان عضو کمیته خارج کشور و فواد عبداللهی دبیر کمیته بریتانیا

**پرتو: ویژه گی کنفرانس امسال چه بود؟**

**سعید آرمان:** این کنفرانس بعد از یکسال و اندی فعالیت منسجم، وسیع و موثر و مرتبط با تحولات سیاسی جاری در ایران برگزار شد، که حزب ما در داخل کشور و خارج و به درجه اولی در بریتانیا یکی از بازیگران آن بود و نمیتوان آن را نادیده گرفت. ترکیب جوانی که در این تحولات و میلیتانیسم تشکیلاتی دخیل بود، در کنفرانس حضور داشت و از نظر کمیته علیرغم مشکلاتی که برای جمع وسیعی از کادرها و اعضا و دوستداران وجود داشت، جمع قابل ملاحظه ای از شهرهای مختلف بریتانیا از شمال تا جنوب حضور داشتند. برگزاری کنفرانس در شهر منچستر تحت عنوان "ایران هسته‌ای" که در تاریخ دوم فوریه سال جاری حکمتیست ها در آن درخشیدند و کنفرانسی را که رژیمی ها به منظور جلب افکار عمومی برای خود تدارک دیده بودند، به محل افشای این رژیم فاشیست و دفاع از دانشجویان و کارگران و زنان ایران تبدیل کردند. این حضور خود نداعی کننده قدرتی بود که به رژیم و عوامل مزدورشان دادیم که در آنجا که اختناق حاکم نیست و مردم جرات ابراز وجود علنی دارند، چگونه رژیم را کلافه میکنند و میدان را بهش تنگ میکنند.

**فواد عبداللهی:** اگر در یک جمله منظورم را ادا کرده باشم، ویژگی کنفرانس امسال تلاش برای یکی کردن تصویری واحد از مقطعی بود که در آن به سر می بریم. شرط اینکه قدم های بعد چه خواهد بود ریشه در تبیین ما از دوران حاضر دارد. به این معنی که باید بفهمیم کجا ایستاده ایم. رسالت و هدفی که برای خود قائل هستیم این نیست که ادامه دهنده آن موقعیتی باشیم که بوجود آورده ایم. این تشکیلات باید ابزاری برای به سر انجام رساندن کاری باشد. و این یعنی همان تر معروف مارکس که می گوید: "فلاسفه جهان را تا به حال تفسیر کردند، هدف اما تغییر آن است."

عضو شدن هر کدام از ما در یک حزب سیاسی، بطور ویژه حزب حکمتیست، تعریف روتین زندگی ما نیست، ما این حزب و تشکیلات آن را بر اساس حشر و نشر هم محفلی هایمان نساختیم. ویژگی ایدئولوژی ما، به ما می گوید که هدف، انتقال باری مشخص در پروسه معینی از تاریخ از نقطه A به نقطه B است، نتیجتاً این روند برای ما برگشت ناپذیر است و باید مدام این سوال را از خود بپرسیم که کجای راهیم. برای این منظور احتیاج به ابزاری داریم که قادر باشد واقعیت بیرون از خود مان را تغییر دهد.

به شهادت تاریخ بشر، جهان هزاران سال است که به دست عده ای زورگو و مفتخور می چرخد و ما این را قبول نخواهیم کرد. الان دیگر از هر حکمتیستی بپرسید که چه می خواهد و چه جور فکر می کند، لیستی از انسانیت و آزادیخواهی و برابری طلبی را ردیف خواهد کرد: مردم باید برابر باشند و از امکانات مادی کافی برخوردار شوند، نداری و فقر ریشه کن شود، جهالت و مذهب جارو شود، شادی و لذت جزء لا یتجزای زندگی انسانها باشد، استثمار از جامعه رخت بر بندد و جای آن را تلاش آزادانه و آگاهانه احاد انسانی پر کند، بشر، بشر باشد و کسی بنا به تعریف از دیگری بالاتر نباشد...

ضرورت به کرسی نشاندن این آرمانها فلسفه حزب کمونیستی ما است.

هیچ کدام از ما بیش از این قبول نخواهیم کرد که صحنه سیاست، محل تاخت و تاز و گردنه بگیری احزاب بورژوایی باشد. انسانی که قبول کرده است هر چهار سال یکبار از سر ناچاری به این احزاب رای دهد چیزی جز یک قربانی در این سیستم نیست. دل خوش کردن به اینکه کدام یک از این احزاب مسئله پناهندگی یا بیمه بیکاری را شل و سفت می کنند، کار ما نیست. کار ما رسمیت دادن و قدرتمند کردن حزبی است که یکبار و برای همیشه دنیا را عوض کند. تصور عمومی که میدیای نوکر به جامعه می دهد این

است که مردم اکثراً یا مذهبی اند یا قومی و ناسیونالیست یا عقب مانده و بی فرهنگ. اما این یک وارونگی حقیقت را با خود حمل می کند. در تاریخ، دوره هایی بوده که مردم اکثراً سوسیالیست بوده اند. انقلاب ۱۹۱۷ روسیه نصف بیشتر جمعیت دنیا را بلشویک کرد. نصف مردم دنیا را با فرهنگ کرد. ما اگر بخواهیم، می توانیم به سرعت به سمت سوسیالیستی کردن باورهای مردم گام بر داریم. حزب حکمتیست پایه های مهم تاریخی در تفکیک خود از بقیه دارد و این دستاوردی است که مخالف خودمان را ساکت کنیم و حقانیت خود را اثبات کنیم. این راه احتیاج به نقشه عمل دارد و کنفرانس به درست بر نقاط ضعف و توانایی های دوره گذشته انگشت گذاشت. ویژگی این دوره در طراحی و پیاده کردن نقشه ای است که بتواند قدرت، حضور اجتماعی و نفوذ کمونیسم را تضمین کند.

**پرتو: مهمترین فعالیتها و اقدامات سال گذشته را میتوانی بیان کنی؟**

**سعید آرمان:** در یکسال گذشته از دفاع از منصور اسالو و محمود صالحی و تقویت فراخوانهای اتحادیه های کارگری بریتانیا تا برگزاری جلسات و سمینارهای مختلف و بدنبال آن با دستگیریهایی گسترده فعالین دانشجویی، فعالیتهای ما ریتم دیگری بخود گرفت. با اولین دستگیریها، ما در مقابل بی بی سی جمع کرده و در ادامه به اعتراضات وسیعتر تا پاسخ مثبت به فراخوانهای جهانی دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب و ادای سهم در هر چه باشکوهتر برگزار کردن شب همبستگی با دانشجویان که توسط ترانه سرا و شاعر محبوب آقای ایرج جنئی عطایی.

در ادامه تلاش جدی برای هر چه قدرتمندتر برگزار کردن تحصن یک هفته ای که توسط دو فعال سیاسی دیبا علیخانی و نسرین پرواز در مقابل امنستی انترنشنال برگزار شد و در هوای سرد و بارانی و توام با باد شدید یک هفته

به افشاگری جمهوری اسلامی و جلب حمایت مردم از مبارزات دانشجویان و برای تحت فشار قرار دادن سازمان عفو بین الملل بمنظور تلاش جدی برای آزادی دانشجویان زندانی. مجموعه این فشارها و همزمانی آن با فشارهای دیگر در اقصی نقاط اروپا و آمریکای شمالی و همچنین گستردگی خود جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی در ایران، منجر به انعکاس وسیع اخبار از جانب رسانه های پرشنونده فارسی زبان بین المللی مانند بی بی سی، رادیو فردا، تلویزیونها و غیره شد، که بر خلاف تصور جمهوری اسلامی که فکر میکرد این صدا را خفه میکند و مانع از درز خبر میشود، عملاً توسط این رسانه ها به تمامی ده کوره های ایران هم راه یافت و در کشورهای اروپایی نیز موج وسیعی از حمایت بین المللی را جلب نمود.

در این دوره جمهوری اسلامی و عواملش را در کنفرانسی که بمنظور آب تظہیر ریختن بر جمهوری اسلامی و ترغیب مردم آزادیخواه ایران به ایستادن در کنار جمهوری اسلامی در تقابل با حمله احتمالی به این کشور در نتیجه منازعات اتمی، نقش بر آب کردیم و اجازه ندادیم که خاک در چشم مردم بپاشند. حضور میلیتانت حکمتیست ها و سایر آزادیخواهان، مزدوران و بسیجی ها و گردانندگان Press TV که سیمای برون مرزی جمهوری اسلامی میباشد، را غافلگیر کرده و پانلیست ها را با دخالتهای افشاگرانه ناچار کردیم که به اعدام و نقض حقوق بشر و دستگیری فعالین دانشجویی و کارگری در ایران اذعان کنند و در نهایت به کنفرانس و محل سخنرانی حکمتیست ها تبدیل شد و صدای مردم آزادیخواه ایران بر تحمیق و فریب مردم و توجیه اعمال فاشیستی جمهوری اسلامی تقوی پیدا کرد و با شعار اسالوی زندانی آزاد باید گردد، دانشجوی زندانی آزاد باید گردد، مرگ بر جمهوری اسلامی و بسیاری دیگر از شعارها کنفرانس بی نتیجه به کار خود پایان داد



و Press TV که قرار بود بطور زنده کل برنامه کنفرانس را پخش کند، عملاً ناکام ماند و برنامه هایشان را قطع کردند و پژواک حضور ما عملاً مانع از حضور محمد جواد ظریف نماینده دائمی رژیم اسلامی در سازمان ملل در دوران خاتمی، شد. یکی دیگر از ابتکارات و موفقیت‌های ایندوره که در واقع در ادامه سالهای قبل بود تلاش برای ایجاد هماهنگی و متحد ظاهر شدن با جریانات و شخصیت‌های سیاسی در رابطه با تحرکات اجتماعی که علیه جمهوری اسلامی در ایران و خارج کشور در جریان بود. در ایندوره ما نشان دادیم که میشود نعل به نعل مثل هم فکر نکرد و در کنار هم جنبش ازادخواهانه و برابری طلبانه را تقویت کرد. به زندانی بودن رهبران کارگری اعتراض داشت و یک شعار واحد را در دست داشته باشیم و سکتاریسم و منافع حقیق سازمانی را بر منافع جنبش کارگری و ازادخواهانه جاری در ایران ترجیح ندهیم.

**پرتو: بیشترین تاکیدات شما در این کنفرانس چه بودند؟**

**سعید آرمان:** پلاتفرم پیشنهادی به کنفرانس ارائه شد که در کلیت بنصوب کنفرانس رسیده است. آنچه که اینجا بطور موجز لزومی به بیان باشد این ها هستند: تمرکز جدی بر تحزب، سازمان دادن فعالیت متمرکز حزبی، پرورش اعضا و کادرها و برنامه جدی برای ارتقای دانش مارکسیستی و دخالت جدی در حیات سیاسی حزب و تضمین حضور سیاسی عملی حزب در میان ایرانیان مقیم بریتانیا و در عین حال تنگ تر کردن عرصه به جمهوری اسلامی و سلب هر نوع مانور و ابراز

وجود سیاسی این رژیم منحوس و عوامل آن در بریتانیا. یکی دیگر از مسائلی که بر آن تاکید کردیم، کار مستقیماً کمونیستی است. ده‌ها هزار ایرانی کارکن در این کشور در رشته‌های کاری مختلف از بیمارستان تا پیتزایی و دندانپزشک و کار ساختمانی و غیره به کار رسمی یا غیر رسمی (بدلیل عدم اجازه کار) اشتغال دارند، این طیف وسیع یک موضوع کار جدی ما میباشند، که در این کنفرانس توجه اعضا و کادرها را به اهمیت آن معطوف کردیم.

یک حزب سیاسی جدی و مدعی قدرت سیاسی نمیتواند نسبت به سرنوشت ده‌ها هزار ایرانی که با هزاران مشکل از شر جمهوری اسلامی و برای تامین سر پناه یا حفظ جانشان و یازندگی بهتر، نقل مکان کرده‌اند و در کشوری مستقر شده‌اند که فعالیت کمونیستی در آن آزاد است و مانعی برای آگاه کردن کارگر به بردگی مزدی وجود ندارد و کسی سدی را در مقابل تبلیغ علیه آپارتاید جنسی ایجاد نکرده است، دلیلی ندارد که به میانشان نرویم و به تحزیشان نیاندیشیم. ناسیونالیسم و مذهب روزانه مخشان را میخورند و به سیاهی لشکر خود تبدیلشان میکنند و یا انرژی اشان را برای بکارگیری در مسیری ازادخواهانه و برابری طلبانه و انسانی پاسیف کرده اند. این پتانسیل را باید آزاد کرد و در خدمت یک جریان اجتماعی عظیم و مرتبط با تحولات سیاسی جاری ایران بکار انداخت و ضمناً در کشورهای "میزبان" هم به تقویت رادیکالیسم همت بگمارند. شایان توجه است که این امر صرفاً مختص بریتانیا نیست و باید به سایر کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی تعمیم داد.

**پرتو: در کنفرانس برای فعالیت دوره آتی نقشه عملی هم تصویب شده است؟**

**فواد عبداللهی:** بلی. این کار انجام شد. اما اجازه بدهید بدوا بگویم که تشکیلات بریتانیایی حزب حکمتیست از میلیتانیسی بالایی برخوردار است و ما باید در دوره آتی تضمین کنیم که این میلیتانیسی را ضربه‌ی یک سازمان کمونیستی استخوان دارخواهیم کرد. همانطور که استراتژی نظامی پیروزی در جنگ است، برنامه ریزی استراتژیک نیز طرق انجام ماموریت های حزبی را دنبال می کند. حزب سیاسی که بخواهد در این مقیاس ظاهر شود و به یک سطح عالی از کار سازمانی برسد احتیاج به جا انداختن مولفه های دارد که تضمین کننده تحزب کمونیستی باشند. ما باید پر انرژی باشیم و به دیگران منتقل کنیم. متعهد باشیم و نیاز به تغییر را همیشه القاء کنیم. درک روشن و صریح از اینکه تشکیلات می خواهد به کجا برود و سر انجامش چه خواهد شد مستقیماً به هدف و جهت گیری میان مدت و دراز مدت ما بستگی دارد.

من اینجا خوانندگان را به پلاتفرم تصویب شده کنفرانس رجوع می دهم و از شما بخاطر وقتی که در اختیار من گذاشتید سپاسگزارم.

**اهم فعالیت‌های حزب در سال آتی**

۱- تشکیلات و ساختمان حزب توجه جدی به ساختمان حزب و تضمین عملکرد فونکسیونهای حزبی بویژه کمیته کشوری و کمیته ها یا واحدهای شهری، جا انداختن تحزب کمونیستی. تضمین جلسات منظم مجمع کادرها جلسات منظم اعضا و کادرها تضمین برنامه های آموزشی و ارتقای دانش مارکسیستی اعضا و اختصاص نیرو برای به انجام

رساندن این مهم، بویژه در شهرستانها

توسعه حضور سیاسی حزب در مناطق مختلف بریتانیا و اسکاتلند

توجه جدی به کار مستقیماً کمونیستی، (تبلیغ و ترویج)

عضو گیری، تنظیم و تحکیم رابطه مداوم حزب با اعضا و بالعکس

۲- ادبیات و تشریفات حزب، توزیع نشریه کمونیست، در دسترس قرار دادن ادبیات حزبی

۳- دفاع از مبارزات کارگران، زنان و دانشجویان

۴- مبارزه جدی علیه جمهوری اسلامی و تلاش برای خنثی کردن برنامه‌های آن و مقابله جدی، قطع کردن هر نوع حضور جدی این رژیم جنایتکار در خارج.

۵- برگزاری آکسیونهای ضروری و مطابق نقشه بدون اتلاف انرژی.

۶- همکاری و فعالیت‌های مشترک با سازمانها و جریانات چپ ضد رژیم در عرصه‌های معین در دفاع از مبارزات جاری (کارگری، زنان و دانشجویان) در ایران

۷- تقویت بنیه مالی: حق عضویت، تلاش برای گرفتن صد در صد حق عضویت (پرداخت حق عضویت یک رکن جدی و مهم در پروسه عضویت و مبارزه متشکل حزبی بحساب میآید).

دریافت کمک مالی از مردم و اعضا. برگزاری جشن و مراسمهای ثابت و ابتکارات متعدد بمنظور تامین مالی حزب

۸- سمینار و جلسات متعدد: تلاش برای برگزاری مراسمهای ثابت

تلاش برای برگزاری جلسات و سمینارهای متعدد بطور مستقل و بعضاً مشترک در رابطه با مسائل جاری مهم در ایران از جمله مسائل و مباحث کارگری، زنان و مبارزات دانشجویی، جنگ، فقر و بیکاری و ...

ادامه کاری تلویزیون پرتو نیازمند کمک مالی شما است.  
 سیمای حقیقت، سیمای آزادی و برابری، سیمای کارگر و سیمای سوسیالیسم

**تلویزیون پرتو**

حقایق ایران و جهان و راه نجات از نکیبت جمهوری اسلامی را از تلویزیون پرتو بشنوید.

به سیمای آزادی و برابری کمک مالی کنید.

شماره حساب: ۶۰۲۸۱۷۱۹  
 نام بانک: Barclays

دارنده حساب: A.J.  
 کد پانکی: ۲۰ ۵۸۵۱